

سال اول، شماره ۱، خرداد ۱۳۹۵،  
۱۶ صفحه، ۱۰۰۰ تومان

# آوای همیاری

**آوای  
ماندگار  
صفا پوینده**





سرفرا آفا بکمی از آثار تاریخی محله دروازه غار

قهوه خانه تقی رمضون یخی محله دروازه غار



دروازه غار  
دروازه ای رو به سوی  
امید و زندگی



کارخانه آفا بکمی از آثار تاریخی محله دروازه غار

# آواي همپاري

ماهنامه اجتماعي فرهنگي، شماره ۱، خرداد ۱۳۹۵  
صاحب امتياز، مدير مسؤل و سردبير:

مهرزاد شفيح پور

ويراستار:

فريبا اعظمي

آدرس نشريه:

تهران، اندیشه، فاز ۲، ميدان مادر، بلوار نيایش،

مجتمع نيایش، بلوک ۵A، طبقه ۴، واحد ۱۶.

کد پستی ۳۱۶۹۹۷۶۹۸۴

تلفن:

۰۲۱۵۵۷۵۸۶۷۱-۰۹۱۰۶۶۰۱۳۰۹

پست الکترونیک:

avayehamyari@gmail.com

ليتوگرافي و چاپ

آيين چاپ، تهران، خيابان انقلاب، پل چوبي، نبش خيابان اعتمادی،

پلاک ۲۴۰، کد پستی ۱۱۴۹۶۷۸۵۱۱

تلفن:

۰۲۱۷۷۵۲۰۰۳۵

همراه شو

اي همنوع، اي هم وطن

همراه و هميار من تويي

درد من، درد توست

گريه من، گريه توست

خنده من، خنده توست

شادي من، شادي توست

بيا که امروز

همراه و يار هم باشيم

که فردا دير است

يادداشت

۴ « سر آغاز همپاري

سايه ساران وطن

۵ « آواي ماندگار صفا پوينده

اجتماع

۷ « دروازه غار دروازه اي رو به سوي اميد و زندگي

آسيب شناسي اجتماعي

۱۱ « گستردي آفت هاي اعتياد در جامعه

فرهنگ در گذر تاريخ

۱۳ « نقش ديوان سالاران ايراني در اعتلاي فرهنگ

و تمدن ايران دوره مغول

همراهان اين شماره:

ميررضا شفيح پور، محمود سلطان آبادي،

سالار نصيري و علي نوروزي.

# سر آغاز همیاری

مهرزاد شفیق پور

زمینه های مناسب برای اجرای برنامه های توسعه ای توجه فراوان شده است.

به عبارتی روشن تر، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از رسانه های جمعی به منزله بازو و اهرمی توانمند در سیاست گذاری ها و اقدامات توسعه ملی کمک گرفته شده است. لذا رسانه های جمعی بخصوص مطبوعات طی چند دهه اخیر به عنوان یکی از ارکان اساسی و ضروری در تحقق برنامه های توسعه ملی نقش مهمی ایفاء کرده اند.

علی ایحال آوای همیاری به عنوان یک نشریه توسعه محور با مضامین اجتماعی - فرهنگی مبنا را بر این قرار داده که صدای مردم ایران، بخصوص اقشار آسیب دیده و در معرض آسیب و هم چنین همیاران و حامیان این اقشار باشد. این نشریه هدف اصلی و مأموریت خود را اطلاع رسانی، آموزش، ایجادگفتمان، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه مشارکت، همیاری و ایجاد عزم همگان برای برانگیختن حس مسئولیت پذیری اقشار مختلف جامعه نسبت به یکدیگر و حمایت از منافع عمومی قرار داده است. هم چنین تلاش خود را برای جلب توجه مسئولین و سازمان های دولتی و غیردولتی برای رفع مشکلات و توسعه همه جانبه این مرز و بوم به کار خواهد گرفت.

لذا آوای همیاری می خواهد پل ارتباطی بین ملت و دولت برای پیشبرد توسعه اجتماعی - فرهنگی کشور که سنگ بنای توسعه همه جانبه است؛ باشد. آوای همیاری با توجه به خط مشی اصلی خود تلاش می کند که در مقاطع مختلف نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت های جامعه ایران را در حوزه های اجتماعی - فرهنگی مورد واکاوی قرار دهد و چشم اندازی از توسعه اجتماعی - فرهنگی آن و مشارکت همگان در این امر را در اختیار مخاطبان، فعالین مدنی، مردم و مسئولین قرار دهد.

بنابراین مهم ترین وظایف و اهداف انتشار آوای همیاری که یک نشریه توسعه محور در حوزه های اجتماعی - فرهنگی است، به شرح زیر می باشد:

- ۱- اطلاع رسانی در مورد تحولات اجتماعی - فرهنگی کشور و نقش هر کدام از این تحولات در توسعه و اعتلای آن؛
- ۲- آموزش و کمک به افزایش سطح اطلاعات عمومی مردم در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سلامت، حقوق شهروندی و ...

اما در پایان سخن نخست، امیدواریم که شما خوانندگان ما را در ادامه این راه یاری نموده و ما را از نقطه نظرات خود و کاستی های این نشریه تنها نگذارید.

هم میهن، هم کیش و هم زبان، نه امروز بلکه سال هاست که بخش قابل توجهی از جامعه ایران در اقصی نقاط آن به علل گوناگون از جمله مشکلات اقتصادی و اجتماعی دچار رنج های فراوانند، برخی آسیب دیده و برخی نیز در معرض آسیب های جدی قرار دارند که نیازمند یاری، همدردی، همدلی، همراهی و حضور همگانی شما برای کاهش این آلام هستند.

امروز کشور بیش از هر زمان و مقطعی نیازمند همراهی، همدلی و هم زبانی ملت و دولت، برای مبارزه با فقر و فساد سازمان یافته است. عریان شدن فقر بر کف خیابان ها و چنبره آن به دور شهرهای کشور به علت این پدیده؛ زنگ خطر است که سال هاست به صدا درآمده، اما تاکنون نتوانسته ما را از خواب غفلت بیدار سازد.

امروزه کشور در پاگردی خطرناک قرار گرفته و برای گذر از آن نیازمند دستگیری دولت و ملت از همدیگر برای برجام فقر (برنامه جامع مبارزه با فقر) می باشد. اما برجام فقر نیازمند چارچوب و رهیافتی یکپارچه و جامع نگر است تا اینکه بتواند در بلندمدت مشکلات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی جامعه را با هم نشانه رود و از اثربخشی ابعاد مختلف بر یکدیگر بهره مند شود. لذا پیشبرد چنین رهیافتی حاصل نخواهد شد، مگر با عزم و اراده ملت و دولت در کنار هم.

یکی از مهم ترین سیاست های جهانی برای مبارزه با پدیده فقر و توسعه مناطق محروم؛ توسعه اجتماع محور با سازکارهایی چون مشارکت دادن مردم در امور مربوط به خودشان، گوش دادن به صدای آنان، پاسخ دادن به درخواست ها و نیازهای آنها و جلب اعتمادشان برای مشارکت موثر در طرح ها و برنامه های توسعه محور در راستای توسعه پایدار است.

چارچوب این سازکارها مبتنی بر نگرش از پایین به بالا در مشارکت گروه های کم درآمد و اجتماع محلی در مراحل مختلف طراحی، تأمین مالی، مدیریت و اجرای طرح ها و برنامه های توانمندسازی و نوسازی اجتماعی و محیط زیست این مناطق است. بر این مبنا توسعه اجتماع محور، نیازمند ظرفیت سازی بالایی خواهد بود که در کوتاه مدت حاصل نخواهد شد مگر با برنامه های جامع نگر بلند مدت و خلق ظرفیت ها در درون دولت و ملت با ارتباط افقی و دوسویه بین این دو.

در دنیای کنونی ارتباطات، رسانه های ارتباط جمعی نظیر مطبوعات یکی از شاخص های مهم توسعه ملی به شمار می روند و از عوامل موثر در موفقیت برنامه های توسعه شناخته می شوند. به همین لحاظ طی چند دهه اخیر در کشورهای در حال توسعه مثل کشور ما؛ نیاز مبرم به بهره برداری از امکانات ارتباطی در پیشبرد برنامه های عمرانی و تحکیم استقلال و وحدت ملی و نقش آنها در ایجاد

# آوای ماندگار صفا پوینده

مهرزاد شفیع پور



دست یابی به موسسه آوای ماندگار صفا پوینده در کوچه پس کوچه های درهم تنیده محله دروازه غار تهران، کار چندان دشواری نیست. به قلب محله، معروف به بازارچه صابون پزخانه که برسی و وارد کوچه افتخاری شوی؛ کمتر از ۱۰۰ قدم، میرسی به اولین خانه سمت چپ کوچه، خانه ای قدیمی با آجرهای گرد گرفته روزگار اما پر از مهر و محبت و صفا. بر سر در آن تابلویی آبی رنگ با نام «آوای ماندگار دروازه غار» به چشم می خورد.

این خانه آوای ماندگار زنده یاد صفا پوینده است. جایی که در آن می توان عشق، محبت و انسان دوستی را با دل و جان لمس کرد. این خانه رمز ماندگاری و پویندگی ابدی صفا پوینده است. هر چند به تازگی (۱۲ بهمن ۱۳۹۴) وی این خانه را با سفر ابدیش ترک کرد و حضور فیزیکی در آن ندارد اما صفای وجود و مهرش در این خانه و در دل مردم دروازه غار و سایر مردم ماندگار و پاینده است و همچنان پاینده خواهد ماند.

در این خانه است که صفا پوینده به آرزوها و خواسته های زندگی اش که همانا به قول خودش «عشق به زندگی، عشق به بشریت به مفهوم عام، خارج از هر گونه دید طبقاتی می باشد.» دست می یابد. بنابراین وی با تمام وجود زندگی اش را وقف عشق ورزی به انسان ها و هم نوعان خود کرد و با فقر، بی سواد، بیماری و اعتیاد که هستی کودکان و زنان دروازه غار را نشانه گرفته است؛ به مبارزه برخاست. صفا پوینده برای تحقق آرمان هایش در اواخر دهه ۷۰ شمسی ابتدا به جمع اعضای انجمن خانه کودک شوش دروازه غار و سپس به انجمن حمایت از کودکان کار دروازه غار پیوست و از همان دوران دروازه غار خانه دوم وی شد. او در کنار سایر دوستانش که با شعار «کار کودک ممنوع» شروع به فعالیت کرد، در خلال فعالیت هایش به این واقعیت پی برد که حذف کودکان از چرخه کار و ایجاد درآمد نه تنها خانواده ها را توانمند نمی سازد بلکه به فقرشان دامن می زند و آنها را در تأمین ابتدای ترین نیازهایشان با مشکل مواجه خواهد ساخت.

به همین دلیل وی به تکاپو افتاد تا با اتخاذ روشی دیگر شاید بتواند مانع از کار کودکان شود و بدین منظور مرکز توانمندسازی آوای ماندگار را در سال ۱۳۸۶ تأسیس کرد. در این مرکز زنان بی سواد در کنار سوادآموزی می توانستند در کلاس های آموزشی چون خیاطی، گلدوزی و ... شرکت کنند و در صورت کسب مهارت در هر حد یک تولید کننده سفارش کار بگیرند. هم چنین فرزندان لازم الاتعلم آنان نیز تحت پوشش سوادآموزی قرار می گرفتند. ۱

تلاش بی وقفه صفا پوینده طی این دوران برای سر پا نگه داشتن مرکز توانمندسازی آوای ماندگار ستودنی است. وی در ابتدای کار به علت مشکلات مادی تیم آوای ماندگار را در خانه های اجاره ای و فرسوده مستقر می ساخت، خانه هایی با سقف لرزان که موجب

دلهره و آزار همراهان وی می شدند. اما این وضعیت خانم پوینده را هرگز ناامید نساخت بلکه او با تلاش و رایزنی توانست نظر مدیران شهرداری منطقه ۱۲ تهران را جلب نماید که ساختمان فعلی که موسسه آوای ماندگار در آن مستقر می باشد به صورت رایگان در اختیار او قرار دهند. لذا وی با کمک های مردمی توانست دستی بر سر روی این خانه بکشد تا اینکه بتواند در آن میزبان و نوازشگر کودکان و زنان درمانده دروازه غار باشد. در حال حاضر خانه آوای ماندگار دروازه غار با همت همراهان و شاگردان صفا پوینده، همچنان با برجاست و مأمّن زنان و کودکان دروازه غار است.

خانم مریم انوری در وصف پویندگی و تلاش خستگی ناپذیر صفا پوینده در راه تحقق آرمان هایش این چنین می نویسد: «به دور از هیاهوی زندگی شهری، تو را یافتم با داستانی از جریانی متفاوت از زندگی در دروازه غار. پیش از آن که نامت را بدانم و بفهمم که هم با «صفا» یی و هم «پوینده».

با دغدغه های از جنس درد و تلاش خستگی ناپذیرت در آگاهی بخشی و آموزش به زنان و کودکان در محله ای که با فقر و بی سوادگی و اعتیاد روزگار می گذرانند، آشنا شدم. بیش از آن که از خودت بگوئی از جان پناهی گفتی با نام «آوای ماندگار» که خانه ات شده بود. گفتم اما بسیار کم، آنقدر که روزی در پی یافتن و دانستن بیشتر رهسپار شدم تا نشانی از تو بیابم.

تو را در خانه ای قدیمی در کوچه پس کوچه های دروازه غار پیدا کردم، در میان شلوغی کار زنانی که تار و پود زندگی را می دوختند، در همهمه کودکانی که با شوق زیاد، با دفتر و کتاب آشتی شان داده بودی و در آهنگ سیال زندگی تک تک دختران و زنانی که گردهم آورده بودی تا حرفه ای بیاموزند و برای ساختن دنیایی بهتر و زیباتر توانمند شوند.

تو را دیدم در راهروهای سرد و تاریک سرنوشت.

در تلاش برای ماندگاری خانه ای که مأمّن زنانی شده بود که هم نوا با تو، نغمه زندگی و امید سر می دادند.

تو را دیدم در همه لحظاتی که عشق را هدیه دلهای تک تک آواهای ماندگار کردی.

تو را دیدم در روزها و شب هایی که امید به ادامه زندگی داشتی برای حضورت و ادامه فعالیت هایت.

اما درد، در همه سلول های وجودت، ریشه دوانیده بود.

و آخرین بار تو را دیدم وقتی دیگر جان نداشتی ...

تو برای زندگی کردن نفس کم آوردی

و اکنون زندگی، تو را، «صفا» را کم دارد.» ۲

منابع:

۱. خبرنگار آوای ماندگار دروازه غار زمستان ۱۳۹۴، ص ۲.

۲. همان، ص ۵.



### زنده یاد صفا پوینده

در کنار دوستانش که با شعار

«کار کودک ممنوع» شروع به فعالیت

کرد، در خلال فعالیت هایش به این

واقعیت پی برد که حذف کودکان از

چرخه کار و ایجاد درآمد نه تنها خانواده

ها را توانمند نمی سازد بلکه به فقرشان

دامن می زند و آنها را از تأمین ابتدای

ترین نیازهایشان با مشکل مواجه

خواهد ساخت.

به همین دلیل وی به تکاپو افتاد

تا با اتخاذ روشی دیگر شاید بتواند مانع از

کار کودکان شود و بدین منظور مرکز

توانمندسازی آوای ماندگار را در سال

۱۳۸۶ تأسیس کرد.



## دروازه غار دروازه ای رو به سوی امید و زندگی

کافیست در یکی از موتورهای جستجوگر اینترنتی چون گوگل نام «محلّه دروازه غار» یا «محلّه هرنندی» را جستجو کنید. حداقل در ۱۰ صفحه اول این سایت، نوشته ها و تصاویری با عناوین مختلف در ارتباط با این محلّه و هولناک بودن وضعیت آن به چشم می خورد.

طی چند سال اخیر روایت های تلخ زیادی از دروازه غار تهران در رسانه های جمعی منتشر شده اما قصد نگارنده در این گزارش روایتی متفاوت تر از روایت های تلخ محلّه دروازه غار تهران می باشد. بنابراین ضمن واقف بودن بر نقاط ضعف محلّه دروازه غار، قصد ما نمایاندن نقاط قوت این محلّه است.

مهرزاد شفیق پور

زاغه بود. زاغه ها یا گودهایی که خاک رس آنها در کوره پزخانه ها صرف خشت و آجر شده بود. در گذشته به خاطر وجود این غارها در اطراف دروازه، نام غار را بر آن گذاشتند و از زمانی که افراد و خانوارهای فقیر ساکن گودها شدند؛ به دروازه غار معروف شد.

حسین منصوری ۷۸ ساله متولد محلّه دروازه غار، در ارتباط با نام دروازه غار همچون حاج مهدی فکر می کند و دلیل نامگذاری محل و دروازه را همان می داند که حاج مهدی روایت می کند. آقای منصوری برخلاف خیلی ها در مورد بار منفی نام دروازه - غار بر محلّه می گوید: «دروازه غار هویت این محلّه است. چرا باید از نام دروازه غار در هراس باشیم. با عوض کردن نام محل که چیزی عوض نمی شود. اسم غار بر این دروازه و محل، مثل نام برخی دیگر دروازه های شهر چون دروازه دولاب و ... که بد نیست. حداقل نام محلّه را تغییر دادند؛ نباید نام میدان غار و خیابان

### چرا دروازه غار

«دروازه غار» نام یکی از محلات کوچک جنوب شهر تهران می باشد که چند سالیست مدیریت شهر تهران آن را به «محلّه هرنندی» تغییر نام داده است. دروازه غار جزء هشت دروازه دیوار ناصری تهران قدیم بوده که مکان فعلی آن تقاطع دو خیابان شوش و خیام می باشد. ریش سفیدان بومی این محل که بسیار معدودند و به نوعی شناسنامه محل محسوب می گردند، علت انتخاب نام غار بر این محل و دروازه آن را به این صورت تشریح می کنند.

حاج مهدی پروندی ۸۳ ساله، ساکن و از افراد صاحب نام محلّه در این مورد می گوید: «من از ۱۸ سالگی ساکن این محل شدم، آن زمان اثری از دیوار و دروازه غار نبود، تا چشم کار می کرد، پر از

غار را تغییر می دادند.»

اما روایت احمد گنجی ۹۲ ساله، بومی و ساکن محل، متفاوت از روایت دیگر بزرگان محله است. وی چرایی نام غار بر این محل و دروازه آن را چنین تحلیل می کند: «در گذشته این محل معروف به چهارده معصوم بوده و چون دروازه آن رو به سوی ده «ورامین غار» باز می شد، معروف به دروازه غار گردید.» به هر حال اصطلاح دروازه غار که امروزه زبانزد عام و خاص است؛ چه بد یا خوب، چه زشت یا زیبا، چه سیاه و چه سفید به هویت و نام این محل گره خورده است. بنابراین آنچه می توان برداشت کرد، این است که کلمه غار برگرفته از گودها و یا زاغه های پرتعداد اطراف این دروازه می باشد. بنابراین می توان گفت وجه تسمیه غار برگرفته از زاغه ها یا کوره های پزخانه های پرتعداد اطراف این دروازه می باشد.

### زاغه ها روزنه هایی رو به سوی امید و زندگی

گودها یا زاغه های بزرگ اطراف دروازه غار در ابتدا که زخم های عمیقی بر تن خاک سخاوتمند این دیار بودند؛ بعدها تبدیل شدن به مأمینی برای مهاجرین روستایی و تهیدستان شهری و آواره از هر جایی که همه امیدشان این خاک بوده و ناامید از هر جای دیگر. اما این خاک سخاوتمند که بخش عمده اش را در توبره کردند و صرف آبادانی جاهای دیگر نمودند، هیچ گاه خم بر ابرو نیارورد و زخم های تن خود را با پناه دادن به مردان، زنان و کودکان آواره این مرز و بوم مرهم بخشید.

این خاک سخاوتمند که از گذشته های دور تا کنون نام دروازه

غار را با خود به یدک می کشد. همواره نشانگاه امید و پناهگاه افشار تهیدست جامعه ایران برای ادامه حیات بوده است. بنابراین دروازه غار چه در گذشته به معنای واقعی خود که یک دروازه بوده و چه در حال که نام یک محله در جنوب تهران بزرگ می باشد؛ همواره دروازه ای رو به سوی امید و زندگی بوده است. بنابراین دروازه غار همچون سایر سکونتگاههای فقیرنشین ایران همواره نشانگاه امید به زندگی و روزنه ای رو به سوی آینده ای بهتر و رهایی از فقر، بی خانمانی و فلاکت بوده است. امید به زندگی در بین ساکنین این سکونتگاه نیز ناشی از روحیه ایرانی بودنشان است. زیرا ایرانی در طول تاریخ، شکست ها، رنج ها، حمله ها و قحطی ها دیده اما روحیه اش را حفظ نموده و نشکسته و نگاهش به آینده ای بهتر بر محور صلح، دوستی و رفاه استوار بوده است.

دروازه غار را می توان نماد جامعه ایران دانست. نماد تساهل، تسامح و همزیستی مسالمت آمیز اقوام، ادیان و مذاهب در کنار هم. زیرا ایرانیان همواره همدلی و تحمل با هم بودن را در طول تاریخ تمرین و در دل فرهنگ خود حفظ کرده اند. یکی از ویژگی های این خاک، سخاوتمندی و ایثار مردمانش است. دست گیری از نیازمندان و گشاده رویی جزء فرهنگ بارز مردان و زنان این دیار است که هنوز رنگ و بوی این فرهنگ در گوشه و کنار آن وجود دارد.

یکی از مکان های تاریخی دروازه غار که یادگار این فرهنگ و آداب است، قهوه خانه تقی رمضون یخی است. این قهوه خانه یادگار گروهی از جوانمردان دیروز دروازه غار، معروف به فرزندان رمضون یخی (تقی، حسین و محمد رمضون یخی) می باشد.

گفتگو با سه تن از بزرگان دروازه غار در قهوه خانه تقی رمضون یخی واقع در میدان غار یا هرندی ۱- قدرت جلالی نشسته بر روی تخت ۲- احمد گنجی عصابه دست نشسته بر روی صندلی و سمت چپ وی رضا هادی صاحب قهوه خانه





نمای فعلی کاروانسرای خانان یکی از آثار تاریخی محله دروازه غار

**دروازه غار**  
**را می توان نماد**  
**جامعه ایران دانست.**  
**نماد تساهل، تسامح و**  
**همزیستی مسالمت آمیز**  
**اقوام، ادیان و مذاهب**  
**در کنار هم. زیرا ایرانیان**  
**همواره همدلی و تحمل با**  
**هم بودن را در طول تاریخ**  
**تمرین و در دل فرهنگ**  
**خود حفظ کرده اند.**

روح و جسمشان را آزرده است که حتی طبیبان جهانی (پزشکان بدون مرز) با اطراق در دروازه غار همچنان از درمان آنها عاجز مانده اند.

امروزه دروازه غار آستان حوادث بسیاری است که چنانچه مسئولین و مردم به یاری آن نشتابند به جرأت می توان گفت: عواقب ناشی از این حوادث برای شهر تهران آنقدر وخیم خواهد بود که به راحتی جبران نخواهد شد.

درست است که هیولای فقر دروازه غار را از پا درآورده اما هنوز دروازه غار زنده است و نفس می کشد. امروز در آسمان سیاه و تاریک دروازه غار روزنه های سفیدی وجود دارد و اگر امروز مولد نور این روزنه ها را تقویت نکنیم، فردا کیپ و تاریک می-شوند.

امروز می توان اما فردا نه. امروز می توان با همیاری و همدلی دولت و ملت تلاش کرد و این روزنه ها را تقویت و بزرگ تر نمود و در کنار هم قرارشان داد تا بلکه آسمان دروازه غار رنگی روشن به خود گیرد.

### روزنه های امید به زندگی در دروازه غار

هر چند آسمان امروز دروازه غار کاملاً تاریک و تیره نیست، لیکن در درون آسمان سیاه او روزنه های امید است که چنانچه آنها را دریابیم و تقویت شان کنیم؛ می توان در آینده آسمانی روشن و آبی برای آن به تصویر کشید.

لذا اولین روزنه امید این محله مردمان این دیار خصوصاً زنان و کودکان رنج کشیده آن می باشند که هنوز به دنبال حیات و نشاط هستند.

دومین روزنه امید دروازه غار، تشکلات مردم نهاد و فعال در سطح

هنوز در این قهوه خانه می توان برخی جوانمردان دیروز و بزرگ مردان امروز دروازه غار را چون قدرت جلالی (معروف به قدرت سیاه) ملاقات نمود. او از شش سالگی از نطنز اصفهان به این دیار آمده است و اکثر ساکنین بومی وی را می شناسند. اگر بررسی آدرس قدرت کجاست؟ می گویند: قهوه خانه تقی رمضون یخی. این قهوه خانه پاتوق همیشگی قدرت و جمع کثیری از کسبه، افراد مسن و قدیمی محل است. چنانچه در فضای این قهوه خانه از جوانمردی و گذشت مردم دروازه غار سخن به میان آوری؛ همگی از ایثار، گذشت و سخاوتمندی قدرت جلالی سخن خواهند گفت و جوانمردی و گذشت وی برای آنان مثال زدنی است.

اما اگر از خود قدرت در این مورد سوال بپرسی، وی ترجیح می دهد، به جای سخن گفتن از گذشت و ایثار خود، از ایثار و گذشت دیگر مردان دروازه غار چون فرزندان رمضون یخی و فرزندان حاج علی اکبر هرنندی و ... سخن گوید.

### شانه های خسته دروازه غار

امروزه دروازه غار هم چون گذشته همواره پناهگاه و میزبان مسافرین تازه از راه رسیده از دم مرگ، جنگ و خونریزی از دیار بلخ و هرات و لشکر بیکاران از دل کویرهای پهناور ایران و دامنه-های البرز و زاگرس و بی خانمان های شهر تهران است. لیکن این امر باعث شده که دروازه غار نسبت به گذشته بیش از توان و ظرفیتش میهمانان ناخوانده داشته باشد. امروزه تعداد میهمانان ناخوانده، خسته و درمانده از هر جایی بیش از گذشته بر شانه های خسته دروازه غار سنگینی می کند.

میهمانان امروز دروازه غار ناامید و خسته تر از میهمانان دیروز هستند. میهمانانی خسته و رنجور که ناملايمات روزگار آنقدر



از جمله دست آوردهای بازار بزرگ تهران و سایر بازارها برای محله دروازه غار ترافیک سنگین، سروصدای روزانه ماشین و موتور سیکلت ها، تبدیل شدن خانه های مسکونی آن به انبار کالا و خوابگاه کارگران و باربران بازار می باشد. در پایان امیدواریم که روزگاری برسد که نقش منفی بازار تهران و سایر بازارها در توسعه این منطقه به نقش مثبتی تبدیل شود. همچنین مجموعه مدیریت شهر تهران با برنامه ریزی مناسب در راستای توسعه هم جانبه این محله گام بردارد و از توسعه نامتوازن آن (که نابود کننده هویت و زندگی ساکنین محله، آوارگی و عریان شدن فقر و بی خانمانی هر چه بیشتر در شهر می گردد) دوری جوید.

نمای فعلی سر قبر آقا یکی از آثار تاریخی موجود در محله دروازه غار



این محله می باشند. این تشکلات روزنه های قابل توجهی هستند از انسانهای شریفی که بخش عمده ای از اندیشه و تلاش روزمره شان صرف عشق، فداکاری و دستگیری از مردم این محله خصوصا کودکان و زنان آن می گردد. انسانهایی که عشق به هم نوع در فکر و اندیشه شان ساری و جاریست. چه آن گروه از آنان که با مردم در داخل گود هستند و چه آنان که خارج از گودند و با حمایت های مادی و معنوی شان مسیر را برای نجات و توسعه این اجتماع هموار می سازند.

سومین روزنه امید دروازه غار، توان و ظرفیت های فرهنگی - اقتصادی آن می باشد. یکی از ظرفیت های این محله اماکن تاریخی و ارزشمند آن چون کاروانسرای خانان، سر قبر آقا و کاروانسرای گمرگ می باشد که ثبت ملی شده اند. از دیگر آثار این محله قهوه خانه های تاریخی تقی رمضون یخی و اصغر پسته شام، بازار سید اسماعیل و مساجد تاریخی می باشد.

به هر حال وجود این اماکن در محله خود فرصتی است در جذب جمعیت گردشگر و توسعه فرهنگی - اقتصادی محله که به نوبه خود امیدبست در راستای ارتقای معیشت و منزلت اجتماعی ساکنین آن.

از دیگر نقاط قوت و امید دروازه غار ظرفیت ها و فرصت های اقتصادی آن چون کارگاههای کوچک تولیدی و بازارهای فرامنطقه ای آن مانند بازار پارچه فروشان، بازار مواد غذایی، بازار شیشه فروشان، بازار بلور فروشان و همجواری این محله با بازار بزرگ تهران می باشد.

ولی متأسفانه تا کنون هر کدام از این بازارها در توسعه اقتصادی - اجتماعی ساکنین این منطقه موثر واقع نشده اند و جزء تبعات منفی چیزی برای آن به ارمغان نیاورده اند.

# گسترده‌گی آفت‌های اعتیاد در جامعه

مهرزاد شفیق پور

## تأثیر

### ناخوشایندی

#### که اعتیاد بر افراد

غیر معتاد جامعه می‌گذارد قابل توجه است. کافی است تصور کنیم چهار میلیون معتاد ایرانی چه حجم وسیعی از خانواده‌های ایرانی را با پدیده اعتیاد درگیر می‌کنند. بدینسان آنچه کیفیت بفرنجی می‌تواند ایجاد شود که حتی در ک پیچیدگی حاکم بر آن به سهولت میسر نباشد، چه رسد صورت دادن اقدامی درخور، در قبال آن و به منظور مهار آن.

اقتضای کم و بیش آلوده ساخته است و به شدت در حال قربانی گرفتن است. بنابراین پدیده اعتیاد یک مسئله اساسی جامعه امروز ایران می‌باشد که اثرات سوء آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی،

امروزه اعتیاد از مهمترین معضلات اجتماعی جامعه ایران شناخته می‌شود که دارای ابعادی منفی در حوزه فردی و عمومی جامعه است که قصد ما در این نوشتار بررسی برخی معضلات منفی این پدیده در سطح جامعه می‌باشد.

اعتیاد به معنی اعم و وسیع کلمه به معنی خو گرفتن به چیزی تعبیر شده است. اما اعتیاد به معنای اخص کلمه که در مورد افراد معتاد به مواد مخدر به کار می‌رود، عبارت است از: «تعلق یا تمایل غیرطبیعی و مداوم که شخص نسبت به یک ماده مخدر پیدا می‌کند.»

اگر چه تعاریف اعتیاد متفاوت و نظریه‌ها گوناگون است ولی سرانجام از طرف سازمان بهداشت جهانی خصوصیتی به این شرح برای اعتیاد تعیین و مورد قبول صاحب نظران فعال در این زمینه واقع شد:

۱- نیاز به یک ماده شیمیایی که عدم مصرف آن حالت خاصی را به وجود می‌آورد که برای معتادین غیر قابل تحمل است.

۲- تمایل به افزایش میزان مصرف برای کسب لذت و آرامشی بیشتر به گونه‌ای که مقدار مصرف به تدریج بالا رود.

۳- اتکاء جسمی و روحی به دارو.

۴- احساس خوشی که بعد از استعمال مواد مخدر به معتاد دست می‌دهد. (رهبری حق، ۱۳۷۴: ۳-۵)

اعتیاد به مواد مخدر یکی از آسیب‌های نظام اجتماعی ایران است که در چند سال اخیر به شدت رو به فزونی نهاده و به گروه و دسته خاصی از اجتماع مربوط نمی‌شود بلکه جنبه عمومی دارد و تمام

فرهنگی و اقتصادی به وضوح قابل مشاهده است که در ادامه این مبحث به برخی از ابعاد منفی این مسئله می‌پردازیم.

۱- رواج بیماری‌های مسری از قبیل ایدز، هپاتیت و ...

مصرف نادرست مواد مخدر توسط معتادان و عدم رعایت مسائل بهداشتی منشأ بروز انواع بیماری‌های مسری از قبیل ایدز، هپاتیت و... در بین آنان، اعضای خانواده شان و بلکه در کل جامعه گردیده و موجب به خطر انداختن سلامت افراد جامعه می‌شود.

۲- ضعیف وجدان شخص و مستعد ساختن شخص برای انجام رفتارهای ضد اجتماعی و غیر اخلاقی.

اعتیاد با اثرات خود، وجدان را تضعیف کرده و شخص را برای انجام رفتارهای ضد اجتماعی و غیر اخلاقی مستعد می‌سازد. معتادینی که در فقر اقتصادی به سر می‌برند برای فراهم ساختن هزینه سنگین مواد مخدر از هیچ‌گونه عملی روی گردان نیستند. لذا دست به خلافکاری

زده و مرتکب بزهکاری می‌شوند.

این گونه معتادین برای تهیه مواد مخدر و عواملی دیگر به مرور زمان در برابر موازین جاری اجتماع، دست به هنجار شکنی و بی‌مسئولیتی زده و به آشفتگی و بی‌سازمانی جامعه دامن می‌زنند. در نهایت سربار جامعه شده و زندگی آنان به فرم انگلی تغییر خواهد یافت. (همان: ۴)

۳- تأثیرات ناخوشایند بر افراد غیر معتاد جامعه و گسترده‌گی آفات‌های

این پدیده در جامعه. تأثیر ناخوشایندی که اعتیاد بر افراد غیر معتاد جامعه می‌گذارد، قابل



توجه است. کافی است تصور کنیم، چهار میلیون معتاد ایرانی چه حجم وسیعی از خانواده های ایرانی را با پدیده اعتیاد درگیر می کنند. بدینسان آنچه کیفیت بغرنجی می تواند ایجاد شود که حتی درک پیچیدگی حاکم بر آن به سهولت میسر نباشد، چه رسد صورت دادن اقدامی درخور، در قبال آن و به منظور مهار آن.

از طرفی آفات و آسیب ها و جرائم و انواع مسائلی که به نحوی به اعتیاد مربوط می-شوند، بسیار متنوع هستند.

کافی است به اقتصاد اعتیاد توجه کنیم تا حجم هنگفتی از سرمایه اقتصادی که به طرق غیرقانونی و قانونی در این حوزه مبادله می شود را دریابیم. از نیروها و واحدهایی که مستقلاً به کار مبارزه با قاچاقچیان مشغول هستند تا کلینیک های مخصوص ترک اعتیاد و انواع مراکز مشاوره ای فعال در این عرصه نشانگر بخشی از ابعاد فاجعه است. (زمردی، ۱۳۸۶: ۳۵)

۴- تأثیرات منفی اعتیاد والدین بر فرزندان. نتایج یک تحقیق در شهر تهران نشان می دهد: اعتیاد پدر خانواده تأثیرات بسیار سویی در خانواده به جا گذاشته که می توان به مواردی هم چون مختل شدن وضعیت اقتصادی خانوار، اختلال در نقش جامعه پذیری فرزندان، برهم خوردن روابط اجتماعی بین اعضای خانواده، کاهش میزان احترام به والدین از سوی فرزندان و در نتیجه کاهش تبعیت فرزندان از والدین و ... اشاره نمود. (ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ۱۳۷۶: ۲۰)

۵- فروپاشی نظام خانواده. به طور طبیعی اعتیاد تبعات منفی در نظام خانواده دارد. کم کاری و ناتوانی در انجام کارهای روزمره، ضعف جنسی، ایجاد برخی محیط های غیرمعارف و زنده، از هم پاشیدگی خانواده ها و مشکلات اجتماعی ناشی از آن همچون ناموس فروشی برای تهیه مواد مخدر از آثار مستقیم اعتیاد است. (آغاجری و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰)

۶- اقتصاد مخرب مواد مخدر، انباشت درآمدهای نامشروع و خسارات سنگین این پدیده بر اقتصاد کشور.

- معتادان ایرانی سالانه ۲ تریلیون و ۶۸۷ میلیارد و ۹۹۰ میلیون و ۹۲۲ هزار تومان معادل ۳ میلیارد دلار یعنی ۱۵ درصد از درآمد نفتی کشور را در شرایط عادی

صرف مواد مخدر می کنند و قاچاقچیان مواد مخدر نمی توانند از سود ۶۰۰ میلیارد تومانی این تجارت چشم پوشند. (محمدمدی اصل، ۱۳۸۸: ۴۶)

- برای جبران اقتصاد مخرب مواد مخدر و درآمدهای نامشروع آن، مردم ایران سالانه ۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان از جیب خود متحمل خسارت می شوند. (همان)

- افزایش روز افزون سوداگری در کشور در پی افزایش بی رویه معتادین و فروش مواد مخدر در کشور و به فکر افتادن خیلی از افراد برای کسب درآمدهای هنگفت نامشروع از طریق فروش مواد مخدر.

۷- نقش موادمخدر و اعتیاد در افزایش مجرمین و زندانیان کشور.

جرائم ۴۸ درصد زندانیان در ایران مربوط به مواد مخدر است و ۷۰ درصد زندانیان کشور در زندان جویای مواد مخدر هستند. در حالی که ۳۰ درصد زندانیان کشور که حدود ۴۰ هزار نفر هستند فقط جرمشان استعمال مواد مخدر است و نگهداری هریک از زندانیان بار مالی حدود ۲۰۰ هزار تومان در ماه برای دولت دارد. (همان: ۴۷)

۸- خشونت جنسی علیه زنان معتاد. ۹۰ درصد معتادان زن حداقل یک بار مورد سوء استفاده و خشونت جنسی همسر و یا تجاوز غیر همسر قرار می گیرند. (همان)

۹- افزایش اعتیاد در بین زنان متأهل به علت معتاد بودن همسرشان.

یکی از عوامل مهم اعتیاد زنان متأهل، همسران معتاد آنان هستند. عامل اعتیاد

۵۶ درصد از جمعیت ۲۰۰ هزار نفری زنان معتاد کشور، همسران معتاد هستند. (همان) ۱۰- کاهش سن مصرف کنندگان و زنانه تر شدن مواد مخدر در ایران.

**کافی است به اقتصاد اعتیاد توجه کنیم تا حجم هنگفتی از سرمایه اقتصادی که به طرق غیرقانونی و قانونی در این حوزه مبادله می شود را دریابیم. از نیروها و واحدهایی که مستقلاً به کار مبارزه با قاچاقچیان مشغول هستند تا کلینیک های مخصوص ترک اعتیاد و انواع مراکز مشاوره ای فعال در این عرصه نشانگر بخشی از ابعاد فاجعه است.**

۱۱- امکان از دست رفتن موقعیت شغلی افراد در معرض اعتیاد.

۱۲- سلب حقوق اجتماعی از افراد معتاد و آسیب پذیری بیشتر.

۱۳- تنوع و گستردگی آسیب های اجتماعی مرتبط با اعتیاد.

۱۴- نگرش منفی و اعتماد کم مردم به افراد بهبود یافته از اعتیاد و دوری جستن از آنان.

**اعتیاد پدر خانواده، اثرات بسیار سویی در خانواده به جا می گذارد که می توان به مواردی هم چون مختل شدن وضعیت اقتصادی خانوار، اختلال در نقش جامعه پذیری فرزندان، برهم خوردن روابط اجتماعی بین اعضای خانواده، کاهش میزان احترام به والدین از سوی فرزندان، و نیز در نتیجه کاهش تبعیت فرزندان از والدین اشاره نمود.**

منابع:

۱. رهبری حق، زیبا، نقد و بررسی اعتیاد نوجوانان، مجله اصلاح و تربیت، دوره قدیم، تیر ۱۳۷۴، شماره ۶.
۲. همان.
۳. زمردی، محمدرضا، گذری بر ابعاد اجتماعی اعتیاد، مجله گزارش، شهریور ۱۳۸۶، شماره ۱۹۰.
۴. ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، رویکرد مددکاری اجتماعی در زمینه اثرات اعتیاد بر نظام خانواده، مجله اصلاح و تربیت، دوره قدیم، اسفند ۱۳۷۶، شماره ۳۸.
۵. آغاجری، سیدهاشم، مهدی دهقان حسام پور و کامران حمائی، علل رواج اعتیاد در جامعه عصر قاجار و آثار اجتماعی، مجله مطالعات تاریخ اسلام، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱۲.
۶. محمدمدی اصل، عباس، مسئله اجتماعی اعتیاد (سواد ریاضی مورد نیاز برای فهم اعتیاد)، مجله گزارش، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۲۰۹.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. همان.

# سهم دیوان سالاران ایرانی

## در اعتلای فرهنگ و تمدن ایران دوره مغول

بخش اول - فریبا اعظمی

ایران نقش داشتند، خاندان جوینی، صدر الدین زنجانی و سعدالدین ساوجی بودند.

### ۱- خاندان جوینی

تکاپوی خاندان جوینی در بستر تحولات تاریخی، سیاسی و اداری ایران از زمان سلجوقیان تا ایلخانان و تصدی مشاغل مهم دیوانی، آنها را در فهرست خاندان های حکومت گر ایرانی، در دستگاه دیوانی قرار می دهد. اجداد جوینی ها از جمله دیوانیان عصر سلجوقی و خوارزمشاهی بودند.

پدر آنها، بهاءالدین محمد بن محمد، ملازم حکام مغول در دوره میان حمله چنگیز و ماموریت یافتن هلاکو به ایران بود. وی مورد اعتماد کامل آنان و حتی محل عنایت او کتای قاآن بوده است. بهاءالدین توانست هم اعتماد مغولان را نسبت به خود جلب کند و هم حامی منافع ایرانیان در تشکیلات دیوانی باشد. ۴ وی از جانب جنتمور، حاکم مغولی ایران، به رسالت نزد او کتای قاآن رفت و طی فرمانی، صاحب دیوان ممالک شد. ۵ در عهد حکومت امیر ارغون، کار بهاءالدین بیش از پیش بالا گرفت.

علاءالدین جوینی از همان اوان جوانی قبل از ۲۰ سالگی در دیوان مشغول به کار شد و در سلک خواص دبیران امیر ارغون درآمد. وی چندین بار در مصاحبت امیر ارغون به مغولستان سفر کرد. در یکی از این سفرهاست که از وی خواسته می شود تاریخ جهانگشای نوشته شود. ۶

زمانی که هلاکو در سال ۶۵۴ ه. ق وارد ایران شد، امیر ارغون این خاندان را به خان معرفی کرد. وی هنگام براندازی اسماعیلیان، ملازم هلاکو خان بود و فتح نامه الموت توسط وی نوشته شد. ۷ زمانی که هلاکو قصد سوزاندن کتب اسماعیلی را داشت، عطاملک وی را از این کار منع نمود و به پیشنهاد او کتاب های نفیس زیادی حفظ شد اما آن عده از کتاب ها که به گفته جوینی مربوط به ضلالت (اسماعیلیه) بود، سوخته شد. ۸ گفته مرتضوی این عمل وی ناشی از تعصب دینی بود. ۱۰

خود و بدون دلیل او را از کارها برکنار کند. قدرت او به مرحمت سلطان واگذار شده بود، از این رو حفظ اعتماد سلطان، از مهم ترین کارهای او محسوب می شد. اغلب وزرا خود را از نظر مالی مستطیع می کردند تا در مواقع تحریکات و دسیسه های رقبا و یا زمانی که از نظر سلطان می افتادند، از موقعیت خود دفاع کنند. ۲

دیوان سالاران برای ایرانی کردن نحوه حکومت و شیوه ی معاشرت، از روی عمد و حسابگرانه عمل می کردند. بر اثر تلقین و تفهیم دیوانیان بود که هلاکو از خواجه نصیر الدین طوسی خواست تا رساله ای در باب چگونگی آداب سلطنت در ایران تالیف کند تا احتمالاً با آگاهی از مطالب آن در روش خود تغییراتی بدهد. ۳

### در عصر مغولان قشر دیوانی پرچمدار بزرگ اهل قلم و سیاست به شمار می رفت.

آنها سعی داشتند هر چه بیشتر زمام امور را در دست گیرند و بیگانه را از محدوده عملیاتی خویش دور کنند، هر چند این کوشش به قیمت جان آنان تمام می شد.

چنان که به جز تاج الدین علیشاه گیلانی، وزیر را نمی یابیم که در گیر و دار تحریکات و دسیسه ها جان نباخته باشد.

در اوایل شکل گیری حکومت ایلخانی، دیوانیان سعی می کردند که رفتار خشن و سبعانه ایلخانان و مغولان را متعادل کنند و کم کم علاقه آنان را به فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی جلب کنند و در خلال این تلاش ها نیز سنت ها و روش های گذشته را بازسازی و ایرانیت را احیا کنند. سرانجام تلاش دیوانیان به بار نشست و ایلخانان متأخر، مسلمان شده و شیوه سلاطین و پادشاهان ایران را در پیش گرفتند. از جمله دیوانیانی که در فراهم کردن زمینه جهت اسلام پذیری ایلخانان و اعتلای فرهنگ

حمله مغول برای ایران واقعه ای مصیبت بار بود. علاوه بر کشتار مردم و ویرانی بلاد و سرزمین ها، به سازمان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن، لطمه جبران ناپذیری وارد آمد و پیشرفت علم، فرهنگ و تمدن در ایران مدت زمانی دچار وقفه شد.

اما عدم آشنایی مهاجمان با فرهنگ و تمدن مناطق متصرفی و اداره امور کشور تحت سلطه خود، ناگزیر، به کارگیری طبقه دیوانسالار ایرانی در این دوره پر آشوب را ضرورت بخشید. آنچه که در این نوشتار خواهید خواند مروری بر نقش مهم دیوانسالاران ایرانی در اعتلای فرهنگ و تمدن ایران در یکی از سخت ترین دوران تاریخ آن است.

زمانی که مغولان ناتوان از اداره کشور شدند و در واقع غلبه خود را بی بنیاد و بی دوام دیدند، دست به دامن دیوانسالاران و دبیران ایرانی شدند و با یاری آنان زمامداری خود را بر ایران تثبیت کردند. این چنین بود که ایرانیان به دستگاه اداری آنها راه یافتند و امور دولت و اداره کشور خود را در اختیار آوردند.

بنابراین فرمانروایی و فرماندهی در دست مغولان و وزارت و دیوان در اختیار ایرانیان قرار گرفت. دیوانیان می کوشیدند تا در بطن حکومت و اندرون دستگاه رسوخ کنند و خواسته های خویش را عملی سازند. چون اداره مملکت از مغولان ساخته نبود، به زودی عنصر ایرانی توفیق یافت تا در گرداندگی امور شرکت جوید و جنگی نهانی با بیگانه را آغاز کند.

از این رو قشر دیوانی پرچمدار بزرگ اهل قلم و سیاست به شمار می رفت. آنها سعی داشتند هر چه بیشتر زمام امور را در دست گیرند و بیگانه را از محدوده عملیاتی خویش دور کنند، هر چند این کوشش به قیمت جان آنان تمام می شد. چنان که به جز تاج الدین علیشاه گیلانی، وزیر را نمی یابیم که در گیر و دار تحریکات و دسیسه ها جان نباخته باشد.

به گفته وصاف الحضرة: «از طبیعت مغول این طریقت به غایت ناپسند است و سخیف که هر گز نواب و وزراء از صدمت خطاب و عتاب ایشان سلامت نخواهند بود، چنانکه حقوق ۵۰ ساله خدمت را به تهمت مفسدی، زیر پا نهند و فراموش کنند.» ۱

مقام وزارت دارای قدرت بود اما وزیر امنیتی نداشت و سلطان می توانست با اراده

یک سال بعد از فتح بغداد یعنی سال ۶۵۷ هـ. ق از طرف ایلخان، حکومت بغداد به عظاملک داده شد. ۱۱ این امر در بالا گرفتن کار ایرانیان و کاهش نفوذ مسیحیان عراق که پس از برچیدن دستگاه خلافت نیروی فوق العاده یافته و رو در روی مسلمانان قرار گرفته بودند، تأثیر فراوان گذاشت. برادرش شمس الدین نیز در سال ۶۵۷ هـ. ق به مقام صاحب دیوانی رسید. ۱۲ بعد از به یاسا رسیدن سیف الدین بیتکچی در سال ۶۶۱ هـ. ق مقام وزارت نیز به شمس الدین محمد داده شد ۱۳ و «دست او در حل و عقد امور و رتق و فتق مصالح جمهور مطلق گردانید» ۱۴

عظاملک و شمس الدین به کمک خواجه نصیرالدین و دیگر همکاران ایرانی از همان ابتدا سیاست خود را بر ایرانی کردن حکومت و تشکیلات اداری و احیای ایرانشهری و فرهنگ ایرانی متمرکز کردند.

عظاملک با تاجی مرصع که درخور سلاطین بود بر تخت جلوس کرد. ۱۵ وی به آبادانی بغداد همت گماشت و همچنین از طریق نهری منشعب از فرات، آب شیرین را به کوفه برد و بدین واسطه وضع زراعت را سرو سامانی داد. ۱۶ وی همچنین دست به اصلاحات مالیاتی زد و عوارض کشاورزان را کاهش داد تا آن ها با دلگرمی بیشتری به آبادانی مزارع بپردازند. او دستور ضرب سکه های مسی (فلوس) را داد تا کار داد و ستد آسان تر گردد. ۱۷ وی با برقراری نظم و آرامش در بغداد، سبب شد که این شهر بار دیگر محل تجمع فضلا و ادبا و هنرمندان گردد.

عظاملک برای تقویت هرچه بیشتر اسلام، نماز جمعه بغداد را به رسم دوران خلفا، با شکوه تمام برقرار کرد و خود در مراسم نماز که در مسجد جامع خلیفه انجام می گرفت، شرکت می کرد ۱۸ وی تلاش کرد تا دوباره سفر حج را برقرار کند و به مردم دستور مهیا شدن برای سفر حج را داد و عده ای از عرب ها را جهت بردن و بازگرداندن حاجیان، اجیر کرد. ۱۹

خاندان جوینی در دربار ایلخانان، چنان قدرتی یافته بود که به تحریک آنها در سال ۶۶۱ هـ. ق علی بهادر شحنه بغداد به قتل رسید ۲۰ و همچنین بنا به درخواست آن ها، «قراپوغا» شحنه دیگر بغداد در سال ۶۶۲ هـ. ق معزول شد. ۲۱ درگاه خاندان جوینی مأمن و ملجأ علما و دانشمندان و روحانیون

بود و دانشمندان از نقاط مختلف مملکت، به درگاه آنها می آمدند. امام برهان الدین از روحانیون بخارا بود که ابتدا به تبریز نزد خواجه شمس الدین و سپس به بغداد نزد عظاملک رفت و در آنجا مقام کرده و در همان جا وفات یافت. ۲۲

خواجه شمس الدین در تعظیم و تکریم اهل دانش می کوشید و همه را مشمول انعام خود می ساخت ۲۳ و صاحبان شعر و نثر را می نواخت. خود وی نیز در این دو استادی توانا بود. ۲۴ پسرش بهاء الدین که حکومت اصفهان را داشت، با همه قساوت و شدت، مردی سخاوتمند بود. وی در فنون آداب، مهارت داشت و به فن موسیقی علاقمند بود. ۲۵ وی نیز همچون پدرش به صاحبان آداب توجه کرده و در بزرگ داشت علما کوتاهی نمی کرد و بعد از مجلس حکومت، با ادبا معاشرت می کرد. ۲۶

### عظاملک و شمس الدین به کمک خواجه نصیرالدین و دیگر همکاران ایرانی از همان ابتدا سیاست خود را بر ایرانی کردن حکومت و تشکیلات اداری و احیای ایرانشهری و فرهنگ ایرانی متمرکز کردند.

رونق اسلام با موقع سیاسی خاندان جوینی نسبت مستقیم داشت و به این ترتیب می توانستند به تقویت اسلام در مقابل ادیان دیگری که در این دوره تقویت می شدند، بپردازند. آنها جهت حفظ و احیای سنتهای کشاورزی و ایرانی، شهرها و دهات را از سلطان و خاندانگانی که ایالتی را به اینجو داشتند، می خریدند و عمال و کارگزارانی را از جانب خود در آنجا می گماشتند،

چنانچه شمس الدین چند پاره شهر از ولایات روم را باز خرید. به این ترتیب نه تنها شهرها را از تصرف مغولان خارج می کردند بلکه نفوذ خاندان خود و ایرانی ها را در سراسر مملکت، گسترش می دادند. ۲۷

آستانه شمس الدین جوینی نه تنها ملجأ فقرا و رعیت بودند بلکه پناهگاه سلاطین و ملوک خراسان و روم و ارمن و شام نیز بود. ۲۸ وی جهت حفظ و اعتلای ایرانشهری تلاش می کرد. وی به مملکت روم رفت و شهرهای خراب را به حالت عمارت آورد و در آنجا تمغا برقرار کرد. ۲۹

زمانی هم که اباقا جهت تنبیه جمعی از ترکمانان که در ولایت روم شورش کرده بودند، دستور قتل و غارت شهرهایی از آن ولایت را داد، خواجه وی را از این کار منع کرد و گفت که «پادشاهان عادل به جرمه خاص، عقوبت عام نفرمایند» ۳۰ به این ترتیب نه تنها آن شهرها از ویرانی و قتل و غارت مصون ماندند، بلکه با کوشش وزیر آبادانی و اصلاحات اداری جدیدی نیز در آن نواحی صورت گرفت. ۳۱

از دیگر نمونه های خاندان جوینی در حفظ ایرانیت، هواداری وی از خاندان کرت بود تا این حکومت نیمه مستقل را، که پایگاهی جهت حفظ فرهنگ ایرانی بود، از سقوط مصون بدارد. زمانی که اباقا بر براق پیروز شد، به پیشنهاد عده ای از امرا تصمیم گرفت که هرات را ویران کرده و اهالی آن را به خراسان کوچ دهد، چون آنها آبادانی هرات را دلیل حمله شاهزادگان جغتای می دانستند.

اما خواجه شمس الدین با بهره گیری از اعتقادات شمنی می مغولان و توجه آنها به شیوخ گوشه نشین، به اباقا تفهیم کرد که خراب کردن هرات که جایگاه شیوخ انام و گوشه نشینان و مقابر متبرکه است، باعث خواری، نکوهش و بدنامی می شود ۳۲ و به این ترتیب وی را از این کار منع کرد. نمونه ی دیگر اینکه زمانی اباقا جهت احضار ملک شمس الدین کرت، قصد فرستادن لشکر به آنجا را داشت، خواجه به وی گفت که ضرورت چنین کاری نیست و او خود ملک را احضار خواهد کرد ۳۳

#### منابع:

- ۱- آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ص ۲۰۷-۲۰۸، لمبتن، تداوم و تحول...، ص ۴۲.
- ۲- ر.ک.، بیانی، دین و دولت...، ص ۲۷۰-۴. جوینی، تاریخ جهانگشا، ج ۱، ترجمه حال مصنف، صص ۳۷-۲۹-۵. همان، ج ۲، صص ۴-۳۳۳-۶. همان، ج ۱، ترجمه حال مصنف، صص ۴۰-۴۱-۷. همان، ج ۳، صص ۱۴۲-۱۱۴-۸. جوینی، همان، ج ۳، صص ۲۶۹؛ گروسه، صص ۵۹۸-۹۹. جوینی، همان، ج ۳، صص ۲۶۹؛ تاریخ ایران کمبریج، صص ۳۲۵-۱۰- مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، صص ۳۱-۱۱. جوینی، همان، ج ۱، ترجمه حال مصنف، صص ۴۵-۱۲. ابن فوطی، الحوادث الجامعة، صص ۲۰۱-۱۳. میرخواند، تحریر روضه الصفا، صص ۴-۵-۹۰۴. خواندمیر، حبيب السیر، صص ۱۰۴-۱۵. رشیدالدین، جامع التواریخ، صص ۷۴۳-۱۶. همان، صص ۷۷۵-۱۷. آیتی، همان، صص ۴۱؛ میرخواند، همان، صص ۹۲۵؛ خواندمیر، همان، صص ۱۰۵-۱۸. ابن فوطی، همان، صص ۲۱۳-۱۹. همان، صص ۲۲۲-۲۰. همان، صص ۲۱۳-۲۱. همان، صص ۲۰۸-۲۲. همان، صص ۲۰۹-۲۳. فصیحی، مجمل فصیحی، ج ۲، صص ۳۴۲-۲۴. خواندمیر، همان، صص ۱۰۴؛ میرخواند، همان، صص ۹۰۷-۲۳. آیتی، همان، صص ۹۰۷-۲۳. آیتی، همان، صص ۲۵-۲۵. میرخواند، همان، صص ۹۰۷-۲۶. آیتی، همان، صص ۲۷-۲۷. رشیدالدین، جامع التواریخ، صص ۷۶۹-۲۸. آیتی، همان، صص ۴۰؛ میرخواند، همان، صص ۹۰۷-۲۹. رشیدالدین، جامع التواریخ، صص ۷۷۰-۳۰. همان، صص ۷۶۹-۳۱. همان، صص ۷۷۰-۳۲. سیفی هروی، تاریخ نامه هرات، صص ۳۵۳-۳۳. رشیدالدین، همان.

سرزمینم، سرزمینم، کُت کُت اَنو نشینم      چی کویا با زخمی اَما سر وه بالا

سرزمینم سرزمینم، ای سرزمین تکه پاره شده و غمگین نشینم، چون کوه ها باش زخمی اما سر بلند

چی دنا اَفنو بَئیر، بَر کو و یارو      چی گَهر، بَسپار وه خاطر، شَر بارو

مانند کوه دنا آفتاب را بگیر و بین یاران تقسیم کن و مانند دریاچه گهر صدای شر شر باران را بخاطر بسپار

چی گری، طاقت بیار بَرَف نِسارو      چی کُور، بو و پناه، بچه میارو

مانند کوه گرین، برف های کهنه سایه ساران را تحمل کن و مانند کبیر کوه، پناهگاه زنان نازا باش

سرزمینم، سرزمینم، چی بلی با      کُت کُت اَنو نشینم، چی بلی با

سرزمینم سرزمینم، چون بلوط باش. ای تکه پاره غمگین نشینم، چون بلوط باش

چُومتِ رَوَن دِ شوگار، تَش تَزگاه خُونیا زار      سا حَس شکتِ گایار، ترم ریا دیر بیمار

مشعل راه رهگذاران شب، آتش اجاق خانه های فقرا باش و سایه پر پشت برای زمان خستگی کشاورزان موقع شخم زدن و ایستگاهی برای استراحت بیماران راه دور باش.

یار دیر سفره حالی، سال نَوار      لیز گرم مَل زخمی، د زِمسو

دوست قدیمی سفره های خالی سال های قحطی و آشیانه گرم پرنده زخمی در زمستان باش

رِم رِم رامشگرونه، سینه برگِ نُو پنجه بارو

دار صد جا بَرَسَم، هم میکه وا نو      باد دورو، میزنش د بَرزی آسو

از برخورد باران با برگ درختان، صدایی مانند صدای نوازندگان ایجاد می شود

درخت صد جا بریده ام دوباره شکوفه می دهد و درگذر زمان، در بلندی کوهساران، با وزش باد به رقص در می آید

خُورموه، خُرم موه یه روزگاری      دل ایلام شاد موه وا نوبهاری

روزگاری خرم آباد خرم می شود و دل سرزمین ایلام با نو بهاری شاد می گردد

کوه آوَن آو میکه، برقیبا نساری      کِل شادی می زَنن دُو بختیاری

الوند کوه، برف های سایه سارانش را آب می کند و در سرزمین بختیاری نیز صدای هلهله و شادی بر می خیزد.

نام اثر: سرزمینم، مضمون: حماسی، زبان: لری، شاعر: ایرج رحمانپور خواننده پرآوازه لرستانی ترجمه: سایت ویریا <http://virya.ir>



More beauty,  
needs  
more care

کودکان پروانه‌ای  
به مراقبت بیشتری  
نیاز دارند

انجمن دبرا ایران



شماره تماس: ۰۲۱۸۸۶۱۳۹۷۷

با هر کمک و توجهی در خوشحالی  
کودکان مبتلا به ای بی و خانواده‌هایشان  
سهیم شده و ادامه خدمات انجمن‌ها به این  
کودکان را ممکن سازید.



شماره تماس: ۰۲۱۸۸۶۱۳۹۷۷

سیگار یعنی رسیدن به پرتگاه ...

